

خوانش میان‌مکتبی جنگ‌های پیش از ظهور، برپایه تحلیل روایات

نبوی ﷺ

سید محمدحسین تقوی^۱

چکیده

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-تطبیقی و میان‌مکتبی، به بررسی دامنه و ابعاد تحولات آخرالزمانی با تمرکز بر روایات مهدوی مستند به منابع نبوی ﷺ در کتاب‌های شیعه و سنی می‌پردازد. هدف پژوهش، واکاوی ابعاد نظامی، اجتماعی و اعتقادی فتنه‌های پیش از ظهور و تبیین آن‌ها به مثابه فراتر از آشوبی سیاسی و در قالب بحران گسترده نظم اجتماعی و اخلاقی جامعه اسلامی است. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی گزاره‌های روایی، با تمرکز بر فتنه‌هایی همچون احلاس، حرکت سفیانی و نقش نیروهای مشرقی است که بر اساس آن، الگوی مرحله‌ای تحولات آخرالزمان استخراج می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دوره پیش از ظهور، از فروپاشی داخلی و نزاع‌های درون‌دینی ناشی از دنیاطلبی آغاز می‌شود و با گسترش جنگ‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در شام و عراق، به اوج می‌رسد. در این فرایند، نصرت الهی از کانون شرق و اهل مشرق آغاز می‌شود و زمینه را برای قیام موعود فراهم می‌سازد. بر اساس یافته‌ها، عبور از این فتنه‌های بنیادین، بخش مهمی از مسیر منتهی به ظهور است. از این‌رو، آمادگی فعال، صبر و استقامت معنوی و به‌ویژه وحدت عملی مسلمانان در برابر جبهه کفر و طاغوت ضرورت می‌یابد. همچنین، اشتراکات روایی شیعه و سنی درباره این حوادث، می‌تواند زمینه‌ای برای تفاهم و اتحاد راهبردی امت اسلامی در زمینه تحقق اهداف مهدویت باشد.

واژگان کلیدی: فتنه‌های آخرالزمان، تحولات مشرق، جنگ و کشتار، روایات نبوی، ظهور مهدوی.

اندیشه مهدویت و تحولات پیش از ظهور، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده و در منابع معتبر شیعه و اهل سنت بازتاب گسترده‌ای داشته است. این اشتراک روایی، مهدویت را از باوری کلامی محدود فراتر برده و آن را به مسئله‌ای مشترک در میان امت اسلامی بدل ساخته است؛ مسئله‌ای که می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی عملی مسلمانان در مواجهه با چالش‌های کلان جهان معاصر باشد. در این میان، یکی از مهم‌ترین محورهای روایات آخرالزمانی، تأکید بر فتنه‌ها، جنگ‌ها و درگیری‌های گسترده پیش از ظهور است؛ حوادثی که اگرچه در ظاهر، آشوب‌زا و خشونت‌آمیزند؛ در منطق روایی، بخشی از نظم الهی حاکم بر فرایند زمینه‌سازی قیام نهایی به شمار می‌آیند.

این مقاله به بررسی جنگ‌های پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر روایات نبوی می‌پردازد و تلاش می‌کند درک عمیق‌تری از ابعاد مختلف این موضوع ارائه کند. مقصود از «خوانش میان‌مکتبی» در این پژوهش، مقایسه اختلافی میان روایات شیعه و سنی نیست، بلکه تکیه بر روایات نبوی مشترک در منابع دو مکتب اسلامی و بازسازی ساختار و توالی حوادث پیش از ظهور بر اساس این میراث مشترک است. در این رویکرد، تمرکز بر نقاط اشتراک روایی است که می‌تواند تصویری منسجم تراز تحولات آخرالزمانی ارائه کند.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات متعددی به تحلیل علائم ظهور و حوادث پیش از آن پرداخته‌اند. ورمزیار و پورسیدآقایی (۱۳۹۴) با تمرکز بر دیدگاه مفسران اهل سنت، برخی نشانه‌ها همچون خسوف و کسوف خاص، قتل نفس زکیه و خروج بنی‌الاصفر را از علائم صریح دانسته و در مقابل، نزول عیسی، دجال، سفیانی و خسف بیداء را در زمره علائم غیرصریح معرفی کرده‌اند. بیات (۱۴۰۲) نیز با تکیه بر روایات بحارالانوار، علائم ظهور را به دو دسته حتمی و غیرحتمی تقسیم کرده و صیحه آسمانی، خروج سید خراسانی و یمانی، شهادت نفس زکیه و خسف بیداء را از حوادث قطعی پیش از ظهور برشمرده است.

در حوزه مطالعات تطبیقی، امیری در کتاب «جنگ جهانی قبل از ظهور»، به بررسی باورهای آخرالزمانی در سنت صهیونیسم مسیحی پرداخته و نشان داده است که این باورها چگونه در سیاست‌های ایالات متحده و رژیم صهیونیستی بازتاب یافته و به توجیه جنگ‌ها و بحران‌های گسترده جهانی منجر شده‌اند. همچنین وی در کتاب «آتش مشرق قبل از ظهور» (۱۳۶۱)، نشانه «آتش مشرق» را تحلیل کرده و آن را با سناریوهایی همچون قحطی جهانی یا جنگ‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پیوند داده است. فقیه نیز در کتاب «سفیانی و نشانه‌های ظهور»، خروج سفیانی را به عنوان یکی از علائم حتمی ظهور عنوان و ارتباط آن را با جنگ‌های گسترده در منطقه شام تبیین کرده است.

جمع‌بندی این آثار نشان می‌دهد که پژوهش‌های پیشین عمدتاً یا بر تقسیم‌بندی علائم ظهور تمرکز داشته‌اند؛ یا به تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی معاصر بسنده کرده‌اند. اگرچه برخی از این مطالعات به جنگ‌ها و بحران‌های پیش از ظهور پرداخته‌اند؛ کم‌تر پژوهشی به بازسازی «نظم درونی» و «توالی ساختاری» این حوادث بر اساس متن روایات نبوی توجه نشان داده است. از این رو، خلأ تحلیلی نظام‌مند که بتواند پیوند منطقی میان فتنه‌ها و جنگ‌های پیش از ظهور را آشکار سازد؛ همچنان محسوس است.

بر این اساس، پرسش محوری مقاله حاضر آن است که با توجه به اشتراک روایات نبوی در منابع شیعه و سنی، ساختار و توالی منطقی جنگ‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور چگونه قابل ترسیم است و این نظم به ظاهر آشوب‌زده، برای آمادگی فعال و تقویت وحدت عملی امت اسلامی در مواجهه با چالش‌های معاصر، دارای چه دلالت‌هایی است؟ نقطه تمایز اصلی این پژوهش، تمرکز مستقیم بر روایات نبوی صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان منبع مشترک و مورد پذیرش دو مکتب اسلامی است؛ در حالی که بسیاری از مطالعات پیشین یا به روایات خاص یک مذهب محدود شده و یا تحلیل خود را از متن روایت فراتر نبرده‌اند.

بر همین اساس، پژوهش حاضر تمامی روایات مورد استفاده را که بالغ بر سی روایت است؛

به طور مستقل مورد بررسی رجالی و حدیثی قرار داده است. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که تمام روایت، یا از حیث سندی واجد اعتبارند و یا از جنبه وثوق و صدور، قابلیت استناد علمی دارند و با روایات معتبر دیگر تأیید می‌شوند. از این رو، در اعتبار کلی نتایج پژوهش خللی ایجاد نمی‌کنند. و در صورت وجود ضعف غیرجبران در روایات، به آن ضعف اشاره شده است.

بخش اول: فراگیری کشتار و جنگ‌های داخلی پیش از ظهور

بر اساس روایات نبوی، حوادث پیش از ظهور را می‌توان در چهار دسته کلی تقسیم کرد. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از فتنه‌ها و جنگ‌ها، جامعه اسلامی را در آستانه ظهور به آشوب کامل می‌کشاند.

دسته اول: هرج و مرج خونریزی پیش از ظهور

این پنج روایت به روشنی نشان می‌دهند که پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامعه با هرج و مرج، فتنه‌ها و کشتار گسترده روبه‌رو خواهد شد.

روایت اول:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «إِذَا مَاتَ الْخَامِسُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَالْهَرْجُ الْهَرْجُ حَتَّى يَمُوتَ السَّابِعُ، ثُمَّ كَذَلِكَ حَتَّى يَقُومَ الْمَهْدِيُّ. قَالُوا: وَمَا الْهَرْجُ؟ قَالَ: الْقَتْلُ كَذَلِكَ؛ وَفَتَى بِنَجْمِينَ نَفَرًا مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ مِنْ بَمِيرِد، هَرْجٌ وَمَرْجٌ أَغَاظٌ مِثْلُ هَفْتَمِينَ نَفَرًا بِمِيرِد. سَبَسَ هَمْچَنَانِ اِدَامَه دَارِد تَا مَهْدِي قِيَام كَنْد.» پرسیدند: هرج چیست؟ فرمود: «کشتار». این روایت نشان می‌دهد که در فاصله‌ای پیش از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامعه به کشتارهای گسترده و فتنه‌های خونین دچار خواهد شد. تعبیر «الهرج الهرج» تکرار برای شدت و فراگیری این آشوب‌هاست.

روایت دوم:

«قیامت برپا نمی‌شود تا قائم اهل بیت به اذن خدا قیام کند؛ پیروانش نجات می‌یابند و مخالفانش هلاک می‌شوند. او خلیفه خداست و باید به سویش رفت؛ حتی در سخت‌ترین وضعیت». در این جا اصحاب سوال کردند:

قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَتَى يَأْتِيكَمُ قَالَ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرْجًا وَ هُوَ التَّاسِعُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ^۱؛ ما [صحابه یا راویان] گفتیم: یا رسول الله! قائم شما چه زمانی قیام می‌کند؟ فرمود: «هنگامی که دنیا دچار هرج و مرج [قتل و کشتار و دروغ‌گویی] شود و او [قائم] نهمین نفر از صلب حسین علیه السلام است.»

روایت سوم:

راوی می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «کار شما [امت] همچنان ادامه می‌یابد تا آن که در فتنه و جور [ستم]، کسی متولد شود که جز آن [فتنه و جور] را نشناسد، تا آن که زمین از جور پر شود، و دیگر کسی نتواند بگوید “الله” [از ترس و فشار]. سپس خداوند عزّ و جلّ مردی را از من و از عترت من بر می‌انگیزد که زمین را از عدل پر می‌کند؛ همان گونه که پیش از او [ظالمان] آن را پر از جور کرده بودند. زمین گنج‌های درون خود [خیرات و معادن] را برای او بیرون می‌ریزد و مال را بی پایان می‌بخشد [با کف دستی می‌ریزد، نه با شمردن]. این [وضع عدل] ادامه می‌یابد تا اسلام پابرجا شود.»

پرسیدم: ای مولای من! آن چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمودند:

«فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا رُفِعَ الْعِلْمُ وَ ظَهَرَ الْجَهْلُ وَ كَثُرَ الْقُرَاءُ وَ قَلَّ الْعَمَلُ وَ كَثُرَ الْقَتْلُ^۲؛ پس خداوند عزّ و جلّ وحی کرد: آن، زمانی خواهد بود که علم برداشته شود [از

۱. علی بن محمد الخزاز، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. الشیخ الصدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۲۵۱.

بین برود]، جهل آشکار گردد، قاریان زیاد شوند؛ ولی عمل کم شود، کشتار زیاد شود» و در ادامه به خروج سفیانی اشاره کردند.

کشتار داخلی میان مسلمانان

در این روایت، به یکی از تلخ‌ترین جلوه‌های فتنه‌های آخرالزمان پرداخته می‌شود؛ هنگامی که نزاع و کشتار، نه میان مسلمان و کافر، بلکه درون جامعه اسلامی و میان نزدیک‌ترین افراد رخ می‌دهد.

روایت چهارم:

كان رسول الله ﷺ يحدّثنا أنّ بين يدي الساعة الهرج. قيل: وما الهرج؟ قال: الكذب والقتل. قالوا: أكثر مما نقتل الآن؟ قال: إنّه ليس بقتلکم الکفار، ولكنّه قتل بعضکم بعضاً، حتى يقتل الرجل جاره، ويقتل أخاه، ويقتل عمّه، ويقتل ابن عمّه. قالوا: سبحان الله! ومعنا عقولنا؟ قال: لا، إنّما ينزع عقول أهل ذاك الزمان، حتى يحسب أحدكم أنّه على شيء وليس على شيء؛ ابوموسی اشعری گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: «پیش از قیامت، هرج خواهد بود.» پرسیدند: هرج چیست؟ فرمود: «دروغ و کشتار.» گفتند: بیش‌تر از آنچه اکنون می‌کشیم؟ فرمود: «آری؛ اما نه کشتن کفار، بلکه کشتن یکدیگر؛ تا جایی که مرد همسایه‌اش را بکشد، برادرش را بکشد، عمویش را بکشد و پسرعمویش را بکشد.» گفتند: سبحان الله! با این که عقل داریم؟ فرمود: «نه، بلکه عقل‌های مردم آن زمان گرفته می‌شود، تا کسی گمان کند بر حق است، در حالی که بر چیزی نیست».

این روایت تصویری روشن از فتنه‌های خونین و جنگ‌های داخلی در میان مسلمانان ارائه می‌کند؛ وضعیتی که در آن، معیارهای عقلانی و تشخیص حق از باطل فرو می‌ریزد و هر گروه، با اطمینان ذهنی، خود را بر حق می‌پندارد، در حالی که در واقع بر باطل ایستاده است.

همین معنا در روایت دیگری تأکید شده است:

روایت پنجم:

«لا تقوم الساعة حتى تُقتلَ فئتانِ عظیمتانِ دعوایهما واحدةٌ؛ قیامت برپا نخواهد شد، مگر آن که دو گروه بزرگ که ادعایشان یکی است، با یکدیگر بجنگند [یا یکدیگر را بکشند]».

تعبیر «دعوایهما واحدة» نشان می دهد که نزاع، نزاعی اعتقادی ظاهری است. هر دو گروه از شعار و ادعایی واحد سخن می گویند و خود را نماینده حق می دانند؛ اما نتیجه این همسانی ادعا، نه وحدت، بلکه کشتار گسترده و فتنه ای فراگیر است..

در این جا پرسش مهمی مطرح می شود: مراد از «الساعة» در این روایات، آیا قیامت کبرا است یا ظهور؟

بررسی کاربرد «الساعة» در ادبیات حدیثی نشان می دهد که این واژه همواره به قیامت نهایی محدود نمی شود، بلکه در برخی روایات، به دوران تحولات عظیم آخرالزمان و مقطع ظهور نیز اطلاق شده است؛ به ویژه آن جا که سخن از نشانه ها و مقدمات تحولی بزرگ در سرنوشت بشر است.

چنان که پیامبر ﷺ فرمود: «إنها لن تقوم الساعة حتى يرى قبلها عشر آيات، فذكر الدخان، والدجال، والدابة، وطلوع الشمس من مغربها، ونزول عيسى ابن مريم ويأجوج ومأجوج^۲...؛ قیامت برپا نمی شود تا پیش از آن ده نشانه دیده شود: دخان، دجال، دابة، طلوع خورشید از مغرب، نزول عیسی بن مریم، یأجوج و مأجوج و...».

این نشانه ها همگی به حوادث بزرگ آخرالزمان مربوط اند که در فضای مقارن با ظهور رخ می دهند. تصریح روشن تر در روایت دیگری آمده است:

۱. البخاری، صحیح البخاری، ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۳۶۰۸.

۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۲۵.

لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً وعدواناً، ثم يخرج من عترتي... من يملأها قسطاً و عدلاً؛ قيامت برپا نمی‌شود تا زمین از ظلم و ستم پر شود، سپس مردی از عترت من خروج می‌کند و آن را از قسط و عدل سرشار می‌سازد.

این روایت به روشنی «الساعة» را با خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند می‌زند و نشان می‌دهد که مقصود، صرفاً پایان عالم نیست، بلکه مرحله‌ای سرنوشت‌ساز از تاریخ بشر است که با اوج‌گیری ظلم، فروپاشی عقلانیت جمعی، جنگ‌های داخلی و در نهایت نیاز مبرم به منجی الهی همراه است.

مجموع این روایات نشان می‌دهد که پیش از ظهور، جامعه انسانی؛ به‌ویژه جامعه مسلمانان، به هرج و مرج فکری و خونریزی گسترده دچار می‌شود و کشتارهایی که نه در تقابل با کفار، بلکه در میان خود مسلمانان و با ادعاهای مشترک رخ می‌دهد. در چنین فضایی، «الساعة» در معنای حدیثی خود، به آستانه تحولی عظیم ناظر است که نهایت آن، قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استقرار عدالت پس از فراگیری ظلم خواهد بود.

دسته دوم: فتنه‌های پایدار و جنگ‌های طولانی‌مدت

روایت احلاس و فتنه‌های طولانی

در گزارش‌های نبوی مربوط به دوران پیش از ظهور، یکی از روشن‌ترین توصیف‌ها از گسترش فتنه‌ها و آشوب‌های فراگیر، در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«سَتَكُونُ بَعْدِي فِتْنٌ مِنْهَا فِتْنَةُ الْأَخْلَاسِ، يَكُونُ فِيهَا حَرْبٌ وَهَرَبٌ، ثُمَّ بَعْدَهَا فِتْنٌ أَشَدُّ مِنْهَا، ثُمَّ تَكُونُ فِتْنَةٌ كُلَّمَا قِيلَ انْقَطَعَتْ تَمَادَتْ، حَتَّى لَا يَبْقَى بَيْتٌ إِلَّا دَخَلَتْهُ، وَلَا مُسْلِمٌ إِلَّا صَكَّتْهُ، حَتَّى يُخْرَجَ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي.»^۱ در این روایت، فتنه‌ای به نام «احلاس» عنوان شده است؛ واژه‌ای که به پارچه چسبیده به پشت شتر اشاره دارد و نشان می‌دهد این فتنه، طولانی و رها

۱. ابن حماد، الفتن، ج ۱، ص ۵۷ ح ۹۵.

نشدنی است. در ترجمه چنین می‌آید که در این دوره، «جنگ و گریز» فراوان خواهد بود و پس از آن، فتنه‌هایی سخت‌تر پدید می‌آیند. سپس فتنه‌ای آغاز می‌شود که «هرگاه گفته شود، پایان یافت، ادامه می‌یابد» و چنان فراگیر می‌شود که «هیچ خانه‌ای نمی‌ماند، مگر آن که این فتنه وارد آن شود» و «هیچ مسلمانی نمی‌ماند، مگر آن که آن را به شدت و مستقیم می‌زند»؛ اشاره‌ای روشن به این که این آشوب، فردی و جمعی، خصوصی و عمومی، و خانگی و اجتماعی را یکجا دربرمی‌گیرد. پایان این دوره، با خروج «مردی از عترت پیامبر» مطرح شده است.

این روایت، تصویری از دوره‌ای طولانی و فرسایشی ارائه می‌کند که در آن، جامعه اسلامی با جنگ‌های پراکنده، ناامنی گسترده و فتنه‌های پی‌درپی درگیر می‌شود. تشبیه فتنه به «احلاس»، نشان می‌دهد که این آشوب، همچون پارچهٔ چسبیده به پشت شتر، از جامعه جدا نمی‌شود و مردم را در حالت فرسایش دائم قرار می‌دهد. گستردگی فتنه تا سطح خانه‌ها، نشان‌دهندهٔ فروپاشی امنیت اجتماعی است؛ وضعیتی که تنها با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه‌المرور پایان می‌یابد.

دسته سوم: آشوب و کشتار حاجیان در ذی القعدة؛ روایتی از نبرد و بیعت اجباری

شاید یک مصداق از درگیری بین مسلمین، همین روایت درگیری بین حجاج باشد:

فی ذی القعدة تحارب القبائل، و عامئذ ينهب الحجاج، فتكون ملحمة بني، فيكثر فيها القتل، و تسفك فيها الدماء... حتى يهرب صاحبهم، فيؤتى بين الركن و المقام فيبايع و هو كاره، و يقال له: إن أبيت ضربنا عنقك^۱؛ در ماه ذی القعدة، قبایل با یکدیگر دشمنی می‌کنند و در همان سال، حاجیان غارت می‌شوند. سپس نبرد بزرگی در منا رخ می‌دهد؛ در آن کشتگان فراوان می‌شوند و خون‌ها ریخته می‌شود... تا آن که صاحبشان [امام] می‌گریزد. سپس او را میان رکن و مقام می‌آورند و با او بیعت می‌کنند؛ در حالی که ناخشنود است، و به او گفته می‌شود: اگر بیعت را نپذیری، گردنت را می‌زنیم.

۱. الحاکم، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۷۰۶.

در نگرش کلی تر این روایت در صدد بیان این نکات هست:

۱. نبرد در منا و تلفات فراوان:

این روایت به صراحت از ملحمه منا سخن می گوید؛ نبردی بزرگ در سرزمین مقدس حج. دو تعبیر کلیدی «یکثر فیها القتلی» (کشتگان فراوان می شوند) و «تسفک فیها الدماء» (خون ها ریخته می شود)؛ نشان دهنده شدت کشتار و خونریزی در این حادثه است. اهمیت این نکته در آن است که حتی مکان مقدس حج، که باید محل امنیت و عبادت باشد؛ به صحنه جنگ و قتل عام تبدیل می شود. این امر بیانگر سقوط کامل امنیت اجتماعی و مذهبی در آستانه ظهور است.

۲. غارت حاجیان:

عبارت «ینهب الحاج» نشان می دهد که حاجیان، یعنی زائران خانه خدا، در این فتنه مورد غارت قرار می گیرند. این غارت نه تنها جنبه اقتصادی دارد، بلکه نشان دهنده بی حرمتی به مقدسات و حرمت شکنی در مناسک حج است. چنین وضعیتی، شدت آشوب و بی قانونی را در جامعه اسلامی پیش از ظهور آشکار می سازد.

۳. بیعت تحت تهدید:

پس از این آشوب و کشتار، امام عَلَيْهِ السَّلَام در مکانی مقدس (بین رکن و مقام) حاضر می شود؛ اما روایت تصریح می کند که بیعت با ایشان به اجبار و تحت تهدید قتل صورت می گیرد: «إن أبيت ضربنا عنقك». این عبارت نشان می دهد که حتی آغاز ظهور از دل فشارهای نظامی و تهدیدهای خونین بیرون می آید. بیعت اجباری، نماد شدت بحران و خشونت حاکم بر جامعه است.

این روایت به وقوع آشوبی گسترده در موسم حج اشاره دارد؛ نبردی خونین و غارت زائران که گویای فروپاشی امنیت دینی و اجتماعی در حرم الهی است. در اوج این بحران، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به گونه ای تحت فشار به بیعت واداشته می شود. در مجموع، روایت تصویرگر

مرحله‌ای از اوج بی‌ثباتی و درگیری در آستانه ظهور است.

دسته چهارم: قتل و مظلومیت اهل بیت (علیهم‌السلام) تا ظهور منتقم

در این بخش، روایتی نقل می‌شود که از استمرار مظلومیت، کشتار و آوارگی اهل بیت (علیهم‌السلام) در طول تاریخ سخن می‌گوید و نشان می‌دهد این رنج‌ها تا آستانه ظهور ادامه می‌یابد؛ تا آن‌گاه که وعده الهی انتقام از ستمگران و احقاق حق مظلومان تحقق یابد.

روزی رسول خدا ﷺ در حالی که دستشان در دست علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) بود، به شخصی فرمودند:

یا فلان- لا یؤمن بما یکون من علی فی آخر الزمان إلا ملک مقرب، أو عبد قد امتحن الله قلبه للإیمان، یا فلان أنه سیصیب ولد عبد المطلب بلاء شدید، وإثرة و قتل و تشدید، فإله الله- یا فلان- فی أصحابی و ذریتی و ذمتی، فإن الله یوم (الله یوما) ینتصف فیہ للمظلوم من الظالم؛ به خدا سوگند، ای فلانی! کسی به آنچه از علی (علیه‌السلام) در آخرالزمان رخ می‌دهد، ایمان نمی‌آورد، مگر آن که فرشته‌ای مقرب باشد، یا بنده‌ای که خداوند قلبش را برای ایمان آزموده باشد. ای فلان! به راستی که به فرزندان عبدالمطلب [که شامل اهل بیت (علیهم‌السلام) است] بلا و سختی شدید، و ستم و خونریزی و پراکندگی می‌رسد. پس خدا را، خدا را [تقوای الهی را پیشه کنید] درباره اصحاب و ذریه و پیمان من [کسانی که مورد حمایت من هستند]؛ زیرا خداوند روزی [در آخرالزمان] انتقام مظلوم را از ظالم خواهد گرفت.

این روایت، به طور مشخص بر ظلم و ستمی که در آستانه ظهور بر فرزندان عبدالمطلب (اهل بیت (علیهم‌السلام)) وارد خواهد آمد؛ تأکید دارد. پیامبر ﷺ با بیان این که ستم و کشتار و پراکندگی به ایشان خواهد رسید؛ عمق مظلومیت این سلاله پاک را نمایان می‌سازند. با وجود این، روایت با وعده نصرت الهی پایان می‌یابد و خداوند در روزی معین، انتقام مظلومان را از ظالمان خواهد

۱. فرات الکوفی، تفسیر فرات الکوفی، ج ۱، ص ۴۲۵.

گرفت که این امر با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و برقراری کامل عدالت، محقق خواهد شد.

روایت بعدی:

- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از ذکر فضایل علی بن ابی طالب علیه السلام (شامل واقعه خیبر و غدیر)، به شدت گریستند و سپس فرمودند که جبرئیل علیه السلام به ایشان چنین خبر داده است: «قَالَ أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُمْ يَظْلِمُونَهُ وَيَنْعَوْنَهُ حَقَّهُ وَيَقَاتِلُونَهُ وَيَقْتُلُونَ وَلَدَهُ وَيَظْلِمُونَهُمْ بَعْدَهُ؛ امت، علی علیه السلام را مظلوم واقع و حقش را سلب می‌کنند. با او می‌جنگند و فرزندان او را نیز پس از ایشان به شهادت می‌رسانند و بر آنان ستم می‌کنند.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در ادامه فرمود: ... «أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ ذَلِكَ يَزُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُهُمْ وَ عَلَتْ كَلِمَتُهُمْ وَأَجْمَعَتِ الْأُمَّةُ عَلَى مَحَبَّتِهِمْ» ... و جبرئیل علیه السلام از جانب پروردگار عزوجل به من خبر داد که آن ستم‌ها و ظلم‌ها [که ذکر شد] از بین خواهد رفت [یزول]؛ هنگامی که قائم ایشان قیام کند، و کلام و سخن ایشان برتر گردد، و امت بر محبت ایشان متحد شوند»

دسته پنجم: فشار دشمنان خارجی و شدت بلا

جایگاه «روم» در منازعات نظامی آخرالزمانی

در آستانه ظهور، احادیث متعددی به نقش قدرت‌های نظامی در منطقه شام و نبردها اشاره دارند. در این میان، «روم» به عنوان یکی از قدرت‌های اصلی که رویارویی سختی با مسلمانان خواهد داشت؛ معرفی شده است.

روایت محوری در این زمینه، که شدت برخورد آنان را بیان می‌دارد؛ این است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَشَدَّ النَّاسِ عَلَيْكُمُ الرُّومُ، وَإِنَّمَا هَلَاكُهُمْ مَعَ السَّاعَةِ^۱؛ شدیدترین مردم در برخورد با شما، رومیان هستند و هلاکت آنان [به طور کامل] با وقوع قیامت مقارن است.»

۱. الشيخ الطوسي، الأمالي، ج ۱، ص ۳۵۱.

۲. أحمد بن حنبل، مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۳۰.

اشاره اجمالی به ابعاد نظامی

این حدیث، بر مواجهه‌ای خصمانه تأکید دارد. در کنار این روایت، سایر احادیث نظامی، بر تحولات منطقه‌ای که رومیان در آن دخیل هستند؛ انگشت می‌گذارند:

- **حضور در سواحل:** گزارش‌هایی از استقرار نیروهای غربی (روم) در مناطق ساحلی شام قبل از ظهور وجود دارد.

- **لشکرکشی به رمله:** اشاره شده است که «مارقة الروم»، هم‌زمان با گروه‌های دیگر، به سوی شام لشکر می‌کشند و تا رمله در فلسطین پیشروی می‌کنند، که نشان‌دهنده وقوع جنگ‌های منطقه‌ای گسترده در آن دوران است.

این حضور نظامی، «روم» را به یکی از بازیگران اصلی در صحنه منازعاتی تبدیل می‌کند که زمینه‌ساز ظهور است.

تذکر: به سبب این که تمرکز این مقاله صرفاً بر روایات نبوی است، برای مطالعهٔ بیش‌تر در مورد جزئیات تحولات نظامی؛ از جمله گزارش‌هایی که از منابع شیعی به آن‌ها اشاره شد؛ به منابع تکمیلی دیگر رجوع کنید.^۱

دسته ششم: استمرار درگیری حق و باطل تا ظهور

در این بخش، به روایتی پرداخته می‌شود که نشان می‌دهد جبهه حق در برابر باطل تا پایان تاریخ و آستانه ظهور به صورت مستمر باقی خواهد ماند:

- «لا تزال طائفة من أمتی یقاتلون علی الحق... فینزل عیسی ابن مریم...»^۲ همواره گروهی از

۱. منابع تکمیلی برای مطالعه:

مجلسی، محمد باقر، بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۷: نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة: تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مکتبة الصدوق، ۱۳۹۷ ه؛ پورسیدآقای، علی، مواجهه امام زمان با قوم یهود در عصر ظهور، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۲ و همان، نقش ایرانیان در عصر ظهور، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۵.

۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۷.

امت من بر حق می‌جنگند تا روز قیامت، سپس عیسی فرود می‌آید.»

- «...مَهْدِيُّ أُمِّي الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا؛ خداوند مردی از عترت من را برمی‌انگیزد که زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده بود.»

این دسته از روایات گویای آن است که فتنه‌ها به اوج می‌رسند. در چنین اوضاعی قیام قائم رخ می‌دهد و با نزول حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و ظهور مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، عدالت جهانی جایگزین آشوب‌ها می‌شود.

این فصل نشان می‌دهد که پیش از ظهور، جامعه اسلامی و فضای جهانی، به مرحله‌ای از هرج و مرج خونین فراگیر وارد می‌شود که شاخص اصلی آن کشتار گسترده، جنگ‌های داخلی، و درگیری‌های طولانی و فرسایشی است. روایات، از افزایش بی‌سابقه قتل‌ها، نبرد میان گروه‌هایی با ادعاهای مشترک، فروپاشی امنیت حتی در مکان‌های مقدس، غارت و قتل حاجیان، و تداوم جنگ علیه اهل بیت سخن می‌گویند. در کنار این خشونت‌های درون‌دینی، فشار و مداخلات نظامی دشمنان خارجی شدت می‌یابد. مجموع این شواهد، تصویری از جهانی مملو از جنگ، خونریزی و ناامنی مستمر ترسیم می‌کند که تا آستانه ظهور ادامه دارد.

بخش دوم: تحولات شرق و تمرکز جنگ‌ها در آستانه ظهور

بر اساس روایات نبوی، بخش مهمی از حوادث آخرالزمانی در مشرق رخ می‌دهد. منطقه شام و مشرق، به ویژه خراسان، در این روایات جایگاهی محوری دارند؛ هم به عنوان خاستگاه فتنه‌ها و آشوب‌ها و هم به عنوان زمینه‌سازان ظهور. این تمرکز جغرافیایی نشان می‌دهد که شرق، کانون اصلی تحولات و جنگ‌ها پیش از قیام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى خواهد بود؛ چه قیام‌های بر حق، مثل خراسانی و یمانی و چه باطل، مثل سفیانی و جریان دجال.

دسته اول: پناه آوردن مردم به شام و آغاز فتنه‌ها

در منابع روایی، حدیثی از عوف بن مالک نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن به سلسله‌ای از تحولات اجتماعی، سیاسی و نظامی پیش از ظهور اشاره کند. ایشان فرمودند: «ای عوف! چگونه خواهی بود آن‌گاه که این امت به هفتاد و سه فرقه تقسیم شود؛ یک فرقه در بهشت و سایر آنان در آتش؟» عوف پرسید: ای رسول خدا! آن زمان چه وقت خواهد بود؟ پیامبر نشانه‌هایی را برشمرد:

- فراوانی شرطه‌ها (نیروهای حکومتی و نظامی)؛
 - نشستن کودکان بر منبرها و ... سروری فاسقان بر قبایل و زعامت افراد پست بر قوم.
- مردم در این زمان به شام پناه خواهند برد تا آنان را از دشمنشان حفظ کند؛ «و یفزع الناس یومئذ إلى الشام یعصمهم من عدوهم، قلت: و هل یفتح الشام؟ قال: نعم و شیکا، ثم تقع الفتن بعد فتحها، ثم تجيء فتنه غبراء مظلمة، ثم یتبع الفتن بعضها بعضها حتی یخرج رجل من أهل بیتی یقال له المهدی، فإن أدركته فاتبعه و کن من المهتدین^۱؛ و مردم در آن روز به شام پناه می‌برند که آنان را از دشمنشان نگاه می‌دارد.» پرسیدم: آیا شام فتح خواهد شد؟ فرمود: «آری، به زودی. پس از فتح آن، فتنه‌ها رخ می‌دهد. آن‌گاه فتنه‌ای تیره و تاریک پدید می‌آید؛ سپس فتنه‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند تا آن‌که مردی از اهل بیت من که نامش مهدی است، خروج کند. پس اگر او را درک کردی، پیروی اش کن و از هدایت یافتگان باش.»

این حدیث یک نقشه زمانی از تحولات آخرالزمان ارائه می‌کند که در آن نشانه‌های درگیری نظامی و اجتماعی برجسته‌اند:

۱. ازدیاد شرطه‌ها: نشانه‌ای از گسترش قدرت نظامی و امنیتی در جامعه؛
۲. پناه بردن مردم به شام: نشان‌دهنده وجود تهدید دشمن و نیاز به منطقه‌ای امن؛

۱. الطبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۸، ص ۵۱.

۳. فتح شام: شاهد بر وقوع یک درگیری نظامی و جنگی در منطقه؛

۴. وقوع فتنه‌های پی‌درپی و فتنه غبراء مظلومه: بیانگر آشوب‌ها و جنگ‌های داخلی و

منطقه‌ای پس از فتح شام؛

۵. ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف: پایان این سلسله بحران‌ها و جنگ‌ها با قیام منجی الاهی.

بدین ترتیب، روایت عوف بن مالک نشان می‌دهد که جنگ‌ها و فتنه‌های گسترده در شام و

اطراف آن مقدمه‌ای برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود و تنها با قیام او جامعه اسلامی سامان خواهد یافت.

دسته دوم تحولات نظامی شرق در آستانه ظهور

روایات مهدوی، تصویری روشن از دگرگونی‌های سیاسی و نظامی شرق در دوران پیش از ظهور

ارائه می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این گزارش‌ها، روایت ثوبان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که در منابع

حدیثی اهل سنت نقل شده است و به عنوان یکی از اسناد کلیدی در تحلیل جنگ‌های شرق پیش از ظهور شناخته می‌شود.

رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ ثَلَاثَةُ ابْنِ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ، ثُمَّ تَطْلُعُ الزَّيَاثُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَا يَقْتُلُهُ قَوْمٌ، ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ، ثُمَّ قَالَ:

إِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلَجِ»؛ سه نفر که همگی فرزند خلیفه‌اند، بر سر گنج شما با یکدیگر

به جنگ می‌پردازند و حکومت به هیچ‌یک از آنان نمی‌رسد. سپس پرچم‌های سیاه از سوی

مشرق پدیدار می‌شوند و مردمی را می‌کشند، به گونه‌ای که هیچ قومی پیش از آنان چنان نکشته

است! سپس پیامبر مطلبی فرمود که راوی آن را به یاد ندارد، و آن‌گاه فرمود: «هرگاه او را دیدید، با

او بیعت کنید؛ حتی اگر ناچار باشید بر روی برف و یخ سینه‌خیز بروید.»

بررسی روایت

نزاع قدرت در ساختار خلافت

روایت، نخست از بروز جنگی داخلی میان سه تن از خاندان خلافت سخن می‌گوید. این نزاع، نشانه‌ای از فروپاشی نظم سیاسی موجود و آغاز دوره‌ای از بی‌ثباتی در شرق جهان اسلام است. جنگ میان این سه مدعی، نه تنها ساختار قدرت را متزلزل می‌کند، بلکه زمینه را برای ظهور نیروهای جدید فراهم می‌کند. این مرحله، در ادبیات مهدوی، یکی از مقدمات مهم تحولات آخرالزمانی به شمار می‌آید.

طلوع پرچم‌های سیاه از مشرق

مرحله دوم روایت، به ظهور «الرایات السود» از ناحیه شرق اشاره دارد. این پرچم‌ها، نماد خیزش نیرویی نظامی و سازمان‌یافته‌اند که با شدت و خشونت بی‌سابقه وارد میدان می‌شوند. تعبیر «فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ قَوْمٌ» نشان‌دهنده وقوع جنگ‌هایی خونین و گسترده است که شرق را با آشوبی فراگیر درگیر می‌سازد. این جریان، در منابع روایی، گاه با عنوان «اهل المشرق» یا «خراسانیان» نیز شناخته شده و در تحولات پیش از ظهور نقش مهمی دارد.

پیوند تحولات شرق با ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

در پایان روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، پس از اشاره به نکته‌ای که راوی آن را فراموش کرده است، به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف اشاره می‌کند و بیعت با او را فرمان می‌دهد. این توصیه، نشان می‌دهد که جنگ‌های شرق، مقدمه‌ای برای شکل‌گیری شرایط ظهور است. آشوب‌های سیاسی و نظامی، ویرانگر؛ اما به ظهور رهبری الهی منتهی می‌شود که مأموریت او برقراری عدالت جهانی است.

دسته سوم: اشاره به ظهور حجت از مشرق (یمن)

در این بخش، روایتی آورده می‌شود که ضمن تبیین مسئله غیبت، به چگونگی و محل آغاز ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف در اوضاع آشوب‌زده آخرالزمان اشاره دارد.

رسول خدا ﷺ پس از شمردن ائمه علیهم السلام، فرمودند: «سپس امامشان برای مدتی که خدا بخواهد از ایشان غایب می‌شود و برای او دو غیبت خواهد بود که یکی از دیگری طولانی‌تر است.» سپس رسول خدا ﷺ رو به ما کردند و با صدای بلند فرمودند: «برحذر باشید، برحذر باشید! هنگامی که پنجمین نفر از فرزندان هفتمین نفر از فرزندان من غایب شد ...» در این جا علی علیه السلام سؤال می‌کند و پاسخ از این جا آغاز می‌شود:

قَالَ عَلِيٌّ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا يَكُونُ حَالُهُ عِنْدَ غَيْبَتِهِ قَالَ يُصْبِرُ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ فَيَخْرُجُ مِنَ الْيَمَنِ مِنْ قَرْيَةٍ يَقَالُ هَا كَرْعَةٌ عَلَى رَأْسِهِ عِمَامَتِي مُتَدَرِّجٌ بِدِرْعِي مُتَقَلِّدٌ بِسَيْفِي ذِي الْفَقَارِ وَمَنَادٌ يَنَادِي هَذَا الْمُهْدِي خَلِيفَةُ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا وَذَلِكَ عِنْدَ مَا تَصِيرُ الدُّنْيَا هَرْجًا وَمَرْجًا وَيَعَارُ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا الْكَبِيرُ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَلَا الْقَوِيُّ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ فَحِينَئِذٍ يَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ؛^۱ علی علیه السلام فرمود: پس گفتم: یا رسول الله! حال و وضعیت او در زمان غیبتش چگونه خواهد بود؟

فرمود: «او صبر می‌کند تا خداوند به او اذن خروج دهد. پس او از یمن، از روستایی به نام کرعه خروج می‌کند. بر سرش عمامه من است؛ زره مرا پوشیده و شمشیرم ذوالفقار را بر کمر بسته است. و منادی بی‌ندا می‌دهد: این مهدی، خلیفه خداست؛ پس او را پیروی کنید. او زمین را از قسط و عدل پر می‌کند؛ همان‌گونه که از جور و ظلم پر شده است و این خروج، آن زمان است که دنیا به هرج و مرج تبدیل شود و برخی بر برخی دیگر غارت کنند؛ به طوری که نه بزرگ به کوچک رحم می‌کند و نه قوی به ضعیف. پس در آن هنگام، خداوند به او اذن خروج می‌دهد.

البته روایات اهل سنت درباره محل آغاز قیام مهدوی از نظر سندی معتبر نیستند و احتمال دارد تنها به خروج یمانی از یمن ناظر باشند. در مقابل، روایات معتبر شیعی، به‌ویژه روایات الکافی و الغیبة نعمانی، به‌روشنی مکه را خاستگاه ظهور می‌دانند؛ جایی که امام مهدی علیه السلام با

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹.

تکیه بر کعبه و آیه «بَقِيتُ اللّٰهَ خَيْرٌ لَّكُمْ...» خود را «بقیة الله» معرفی می کند.^۱

دسته چهارم: سه فتنه بزرگ در شام، شرق و غرب

در این بخش، روایتی نقل می شود که از وقوع سه فتنه بزرگ و پیاپی در مناطق شام، شرق و غرب خبر می دهد و آن ها را از نشانه های آشوب فراگیر پیش از ظهور معرفی می کند. این روایت با ترسیم گستره و شدت این فتنه ها، فضای ناآرام و بی ثبات آخرالزمان را به عنوان زمینه تحقق حوادث بزرگ بعدی تبیین می کند:

تكون فتن ثلاث كأمسكم الذّاهب: فتنّة تكون بالشّام، ثمّ الشرقيّة هلاك الملوك، ثمّ تتبعها الغربيّة، وذكر الرايات الصّفر. قال: و الغربيّة هي العمياء^۲؛ سه فتنه همانند روز گذشته شما رخ خواهد داد: نخست فتنه ای در شام، سپس فتنه شرقی که نابودی پادشاهان را در پی دارد، و پس از آن، فتنه غربی که کور و نابینا است. در این میان از پرچم های زرد نیز یاد شده است.

این روایت سه بخش مهم دارد:

الف) فتنه شام:

این روایت نخستین کانون درگیری را شام معرفی می کند؛ منطقه ای که در روایات آخرالزمانی، جایگاه ویژه ای دارد. فتنه شام به معنای آشوب ها و جنگ های خونین در این سرزمین است که آغازگر سلسله ای از درگیری ها خواهد بود. اهمیت این فتنه در آن است که به عنوان نقطه شروع بحران های بزرگ پیش از ظهور شناخته می شود و نشان دهنده فروپاشی امنیت اجتماعی و سیاسی در قلب جهان اسلام است.

ب) فتنه شرقی و نابودی پادشاهان:

دومین فتنه در روایت، در شرق رخ می دهد و ویژگی اصلی آن، «هلاک الملوك»، یعنی نابودی

۱. ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۳۳۱ و نعمانی، الغيبة، ص ۲۸۱.

۲. ابن حمّاد، الفتن، ج ۱، ص ۵۶، ح ۹۷.

پادشاهان است. این بخش نشان دهنده قتل و براندازی خشونت آمیز رهبران و فروپاشی قدرت های سیاسی در شرق اسلامی است. فتنه شرقی نه صرفاً آشوبی سیاسی، بلکه جنگ داخلی خونینی است که با قتل رهبران و فروپاشی ساختارهای حکومتی همراه می شود و زمینه را برای قیام های بعدی و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می آورد.

ج) فتنه غربی کور و نابینا:

سومین فتنه در روایت، در غرب رخ می دهد و به عنوان «العمیاء»، یعنی کور و نابینا توصیف شده است. این تعبیر نشان دهنده خشونت بی منطق و کشتار بی هدف است؛ جنگی که عقل و بصیرت در آن از میان رفته و تنها خونریزی و نابودی باقی مانده است. اشاره به «الرایات الصفر» (پرچم های زرد) نیز نشان دهنده حضور نیروهای نظامی سازمان یافته در این فتنه است. در مجموع، فتنه غربی نماد آشوب کور و خونین است که جامعه را در آستانه ظهور به نهایت بحران می رساند. این سه فتنه، تصویری از جهان اسلام در آستانه ظهور ارائه می کند؛ جهانی که به جنگ های داخلی، قتل رهبران، و آشوب های کور گرفتار است. چنین فضایی، ضرورت قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را آشکار می سازد؛ قیامی که تنها راه پایان دادن به این چرخه ی خونریزی و آشوب خواهد بود.

این فصل نشان می دهد که در آستانه ظهور، کانون اصلی جنگ ها و خونریزی ها، به شرق و منطقه شام منتقل می شود. روایات از پناه بردن مردم به شام، فتح نظامی این سرزمین و سپس آغاز فتنه ها و جنگ های پی در پی خبر می دهند. در شرق، نزاع های شدید قدرت، جنگ میان مدعیان خلافت، و ظهور نیروهایی با خشونت و کشتاری بی سابقه تصویر می شود. این درگیری ها با نابودی حاکمان، قتل گسترده و فروپاشی امنیت همراه است. هم زمان، سه فتنه بزرگ در شام، شرق و غرب رخ می دهد که همگی ماهیتی خونین، ویرانگر و فرسایشی دارند. مجموع این روایات، جهانی را ترسیم می کنند که پیش از ظهور، با تمرکز جنگ ها، قتل های گسترده و

آشوب‌های نظامی فراگیر درگیر است و این وضعیت تا لحظه ظهور ادامه می‌یابد.

بخش سوم: نصرت اهل بیت و پرچم‌های سیاه مشرق

در این بخش، روایاتی بررسی می‌شوند که از نصرت الاهی اهل بیت علیهم‌السلام به وسیله سپاهی از مشرق سخن می‌گویند و حرکت پرچم‌های سیاه از مشرق و یا همان خراسان را به عنوان جریانی تعیین‌کننده در عبور از دوران ابتلا و ظلم و زمینه‌ساز دولت حق و قیام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف معرفی می‌کنند. این دسته از روایات، برخلاف بخش‌های پیشین که بر فتنه‌ها و آشوب‌ها تمرکز داشتند؛ بر خروج نیروهای مؤمن از شرق، نقش حیاتی مشرق در آماده‌سازی ظهور و فراهم‌سازی بستر حکومت جهانی امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف تأکید دارند. و بخش مذکور مجموعه‌ای از احادیث نبوی را در چند محور قابل بررسی ارائه می‌کند.

نخستین روایت، به اصل «نصرت الاهی» و نقش پرچم‌های سیاه مشرق، به عنوان نقطه آغاز تحول پس از دوره‌ای طولانی از بلا و مظلومیت اهل بیت اشاره می‌کند.

- «ذکر بلاء یلقاه اهل بیته حتی یبعث الله رایة من المشرق سوداء، من نصرها نصره الله، ومن خذها خذله الله، حتی یأتوا رجلاً اسمه کاسی، فیؤثونه أمرهم، فیؤیده الله و ینصره؛ پس از رنج‌ها و مصایب فراوانی که بر اهل بیت علیهم‌السلام وارد می‌شود، خداوند پرچمی سیاه از مشرق برمی‌انگیزد. این پرچم حامل معیارهای الاهی است. سرنوشت کسانی که این پرچم را یاری کنند، یا آن را خوار شمارند، توسط خداوند رقم خواهد خورد. این لشکر سرانجام به مردی می‌رسند که همانم پیامبر است و زمام امور را به دست می‌گیرد؛ خداوند او را تأیید و یاری می‌کند. این روایت نشان‌دهنده آن است که نصرت اهل بیت از سوی مشرق، نقطه آغاز انتقال قدرت از آشفتگی‌ها به سوی آمادگی برای ظهور نهایی خواهد بود.

در روایت بعد، پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم با نگاهی کلان‌تر، مسیر تاریخی بلا، مقاومت و در نهایت

واگذاری امر حکومت به امام از اهل بیت را ترسیم می‌فرمایند:

روایت بعدی:

رسول خدا ﷺ فرمودند: «فَقَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيداً وَتَظْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَهُ فَيَقَاتِلُونَ وَيَنْصَرُّونَ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَ حَتَّى يَدْفَعُوهُ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَّوْهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًّا عَلَى الثَّلْجِ» ما اهل بيتی هستيم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا برگزیده است و اهل بیت من پس از من، بلا و پراکندگی و رانده شدن را خواهند دید، تا زمانی که قومی از جانب مشرق بیایند؛ در حالی که پرچم‌های سیاه همراهشان است. آن‌ها حق را می‌طلبند، ولی به آن‌ها داده نمی‌شود. پس می‌جنگند و یاری می‌شوند. سپس آنچه را خواسته‌اند، به آن‌ها داده می‌شود، ولی نمی‌پذیرند [ممکن است منظور این باشد که خواسته اصلی‌شان که حق کامل است، با این مقدار برآورده نمی‌شود یا شرایط پذیرش سخت است]. تا این‌که آن [=امر حکومت و حق] را به مردی از اهل بیت من واگذار می‌کنند. پس او [=آن مرد از اهل بیت] آن [=زمین] را از عدل و قسط پر می‌کند، همان‌گونه که [دیگران] آن را از جور پر کرده بودند. پس هر کس از شما آن زمان را درک کند، باید به سوی آن‌ها [=آن گروه با پرچم‌های سیاه] برود؛ هرچند خزیده بر روی برف باشد.

در ادامه، تمرکز روایت‌ها از «مشرق به صورت کلی» به «خراسان» به عنوان کانون مشخص این حرکت انتقال می‌یابد.

پرچم‌های سیاه خراسان و پیوند با مهدی

إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السَّوَدَ خَرَجْتَ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ فَاتُوهَا وَلَوْ حَبْوًّا عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ؛

۱. همان ص ۲۱۳؛ سید بن طاووس؛ الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى، ج ۱، ص ۳۰.

۲. ابن حمّاد، الفتن، ج ۱، ص ۳۱، ح ۸۹۶.

هنگامی که پرچم‌های سیاه از خراسان خروج کردند، به سوی آنان بروید، حتی اگر با سختی و خزیدن بر روی یخ باشد؛ زیرا در میان آنان خلیفه خدا، مهدی، حضور دارد. این روایت صراحتاً پرچم‌های سیاه خراسان را به وجود مهدی موعود پیوند می‌زند و نشان می‌دهد که خراسان مرکز تجمع نیروهای مؤمن و آماده‌ای است که در پی تحقق وعده الاهی هستند.

در مرحله بعد، روایات به معرفی نقش اجتماعی و سیاسی مردمان مشرق در شکل‌گیری دولت حق می‌پردازند.

زمینه‌سازان ظهور و دولت حق در مشرق

إِذَا خَرَجْتَ الرِّيَاضَ السَّوْدُ فَاسْتَوْصُوا بِالْفَرَسِ خَيْرًا، فَإِنَّ دَوْلَتَنَا مَعَهُمْ؛ هنگامی که پرچم‌های سیاه آشکار شدند، درباره فارس نیکی روا دارید؛ زیرا حکومت ما با ایشان خواهد بود. یخرج نأش من المشرق، فیوْطُنون للمهدی^۲؛ مردمی از مشرق خروج می‌کنند تا مسیر را برای حکومت مهدی هموار سازند.

این روایات نشان می‌دهند که اهل مشرق نه تنها درگیر فتنه‌ها هستند، بلکه نقش اصلی در آماده‌سازی حکومت جهانی مهدی دارند. آنان با پرچم‌های سیاه خروج می‌کنند، می‌جنگند، پیروز می‌شوند و حکومت را به امام می‌سپارند.

در نهایت، روایت پایانی با ذکر نام اشخاص و مناطق، این جریان زمینه‌ساز را از حالت کلی خارج و به سطحی عینی و تاریخی نزدیک می‌کند:

یخرج رجل من وراء التَّهْرِ یقال له: الحارث بن حِزَّاث، علی مقدَّمته رجل یقال له: منصور، یوْطُن أو یَمَّكُن لَّالِ مُحَمَّدٍ کَمَا مَكَّنْتَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَجِبَ عَلَی کُلِّ مُؤْمِنٍ نَصْرُهُ، أَوْ قَالَ: إِبْجَابَتُهُ^۳؛ مردی از سرزمین پشت رود [وراء النهر] خروج می‌کند که او را حارث بن حراث می‌نامند. در پیشاپیش او

۱. ذهبی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۲۰.

۲. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، ب ۳۴، ح ۴۰۸۸.

۳. ابو داود، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۰۸، ح ۴۲۹۰.

مردی است که منصور نامیده می‌شود. [این دو] زمینه را برای آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام آماده می‌کنند و اقتدار را برای آنان فراهم می‌سازند، همان‌گونه که قریش برای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زمینه را فراهم ساخت. بر هر مؤمنی لازم است که او را یاری کند، یا فرمود: به او پاسخ دهد [=دعوتش را لبیک گوید].

ارتباط با روایات «یوطئون للمهدی» و سپاه مشرق

این روایت از سنن ابی داود، اشاره‌ای بسیار مهم به دوران ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى دارد. عبارت کلیدی «یوطن أو یمکن لآل محمد» (زمینه را برای آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آماده و اقتدار را برای آنان فراهم می‌کنند) به طور مستقیم با مفهوم «یوطئون للمهدی» (زمینه را برای ظهور سلطنت و حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فراهم می‌کنند) هم‌خوانی دارد. البته نسبت به روایت مذکور -یوطئون للمهدی- بحث سندی و دلالتی مفصلی انجام گرفته است و طبعاً موافقان و مخالفانی دارد.^۱

می‌توان این‌گونه برداشت کرد:

۱. نقش حارث بن حراث و منصور: این دو شخصیت، که از منطقه «وراء النهر» که می‌تواند مناطقی فراتر از آسیای مرکزی را شامل باشد؛ ظهور می‌کنند؛ نقش کلیدی در فراهم آوردن مقدمات حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى دارند. نام «منصور» نیز خود بشارت‌دهنده پیروزی است.

۲. تمهید حکومت: عمل «یوطن» یا «یمکن»، به معنای آماده‌سازی، تسهیل و ایجاد بسترهای لازم برای امری مهم است. در این‌جا، این عمل برای «آل محمد» که در رأس آن حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى قرار دارند؛ صورت می‌گیرد. این آماده‌سازی می‌تواند ایجاد آمادگی‌های روحی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی در میان مؤمنان را شامل باشد.

۳. مقایسه با سیره قریش: تشبیه این نقش به نقش قریش در فراهم آوردن زمینه برای پیامبر

۱. ر.ک: سلیمیان: مقاله بررسی و نقد روایت یوطئون للمهدی ص ۲۳.

اسلام ﷺ هرچند که این فراهم سازی همراه با مخالفت ها و سختی ها بود؛ نشان می دهد که این نقش، نقشی محوری و تعیین کننده در استقرار حکومت الهی است.

۴. **وظیفه مؤمنان:** تأکید بر «وجب علی کل مؤمن نصره» (بر هر مؤمنی لازم است او را یاری کند) نشان می دهد که این بخشی از وظایف قطعی مؤمنان در زمان ظهور است و صرفاً نوعی گزینه نیست، بلکه تکلیفی الهی است.

۵. **ارتباط با سپاه مشرق:** با توجه به این که روایات متعددی به نقش سپاه مشرق در یاری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره دارند و این سپاه از سمت شرق [وراء النهر] حرکت می کند؛ بسیار محتمل است که همین لشکریانی که در این روایت از آن ها یاد شده (حارث بن حراث و منصور)، همان سپاه مشرق باشند که وظیفه «تمهید و تسهیل» حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر عهده دارند. این، بدان معناست که ظهور حضرت با کمک نیروهایی از شرق آغاز و زمینه برای سلطنت ایشان فراهم می شود.

بنابراین، این روایت را می توان به عنوان یکی از شواهدی در نظر گرفت که به چگونگی شکل گیری یاران و مقدمات ظهور اشاره دارد و نشان می دهد که پیش از استقرار کامل حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، افرادی نقش مهمی در تمهید و تسهیل این امر ایفا خواهند کرد و این نقش آفرینی، از مشرق آغاز خواهد شد و قوم مشرق حکومت را به مهدی می سپارند: **حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَمَعَهُمْ رَايَاتٌ سَوْدَاءٌ... فَيَقَاتِلُونَ وَيَنْصَرُونَ... حَتَّى يَدْفَعُوها إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً وَعَدْلًا...^۱؛ تا آن که قومی از مشرق با پرچم های سیاه بیایند... می جنگند و پیروز می شوند...** تا آن که حکومت را به مردی از اهل بیت من بسپارند که زمین را از عدل و داد پر می کند. این روایت تکمیل کننده دسته پنجم است؛ اهل مشرق نه تنها قیام می کنند و پیروز می شوند، بلکه حکومت را به مهدی می سپارند و زمینه ساز تحقق عدالت جهانی می شوند.

۱. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۶۱، ح ۴۰۸۲.

این دسته از روایات، نقش محوری مشرق را در آماده سازی ظهور نشان می دهد. پرچم های سیاه از مشرق و خراسان بر می خیزند؛ اهل مشرق نصرت اهل بیت را بر عهده می گیرند؛ با دشمنان می جنگند و پیروز می شوند، و در نهایت حکومت را به مهدی می سپارند. این روایات بیانگر آن است که مشرق، علاوه بر خاستگاه فتنه ها، خاستگاه نجات و زمینه سازی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه خواهد بود.

بخش چهارم: سفیانی

اگرچه سفیانی نیز از مشرق قیام می کند؛ به دلیل اهمیت و گستردگی روایات مربوط به او، یک فصل مستقل به بررسی خروج و جنگ های سفیانی اختصاص داده می شود. این روایات، تصویری روشن از خشونت، لشکرکشی ها و سرانجام فتنه سفیانی ارائه می کنند.

آغاز فتنه ها و خروج سفیانی

در این روایت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با هشدار نسبت به فتنه های گسترده پس از رحلت خود، از ظهور فتنه ای سرنوشت ساز در شام خبر می دهد که با عنوان «سفیانی» شناخته می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب فرمود: أحذركم سبع فتن تكون بعدی؛ فتنه تقبل من المدینة، و فتنه بمكة، و فتنه تقبل من الیمن، و فتنه تقبل من الشام، و فتنه تقبل من المشرق، و فتنه تقبل من المغرب، و فتنه من بطن الشام، و هی السفیانی^۱؛ شما را از هفت فتنه پس از من برحذر می دارم؛ و یکی از آن ها فتنه ای از درون شام است که همان سفیانی است.

این روایت، جایگاه سفیانی را در میان فتنه های آخرالزمانی مشخص می کند. او فتنه ای ویژه از درون شام است که به عنوان یکی از بزرگ ترین آشوب ها شناخته می شود و نشان می دهد شام به کانون بحران بدل خواهد شد.

خشونت و جنایات سفیانی در شام، در حدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۶۶۳، ح ۳۴۹۲.

يُخرج رجل يقال له السفيناني في عمق دمشق، و عامة من يتبعه من كلب، فيقتل حتى يبقّر بطون النساء، و يقتل الصبيان؛^۱ مردی به نام سفیانی از دمشق خروج می‌کند و بیش‌تر پیروانش از قبیله کلب خواهند بود. او زنان را شکم می‌درد و کودکان را می‌کشد. این روایت خشونت بی‌سابقه سفیانی را نشان می‌دهد؛ جنایاتی که نه تنها نظامی، بلکه اجتماعی و اخلاقی‌اند و جامعه را در وحشت فرو می‌برند و عمق فاجعه را آشکار می‌سازند.

لشکرکشی‌ها و کشتارهای گسترده، غارت و ویرانی

روایات با ترسیم لشکرکشی‌های هم‌زمان سفیانی به مشرق و حجاز، از کشتارهای بی‌سابقه و خشونت‌پرده برمی‌دارد که نشان‌دهنده ماهیت خون‌ریز و فراگیر فتنه اوست. در این گزارش، گستره ویرانی‌های سفیانی از کوفه و مدینه تا مسیر مکه ترسیم می‌شود؛ اما در نهایت با خسف لشکر او در بیداء، پایان الهی و قطعی این فتنه خونین به تصویر کشیده می‌شود: فینما هم كذلك إذ خرج عليهم السفيناني من الوادي اليابس... فيبعث جيشين، جيشا إلى المشرق، و جيشا إلى المدينة... فيقتلون أكثر من ثلاثة آلاف، و يقرون بها أكثر من مائة امرأة؛^۲ در همان حال، سفیانی از وادی یابس خروج می‌کند و دو لشکر می‌فرستد؛ یکی به سوی مشرق و دیگری به مدینه. در بابل بیش از سه هزار نفر را می‌کشند و بیش از صد زن را شکم می‌درند.

این روایت نشان‌دهنده گستردگی جنایات سفیانی است. او هم به مشرق لشکر می‌فرستد و هم به مدینه، و کشتارهای وسیع و بی‌رحمانه‌ای انجام می‌دهد که ابعاد سیاسی و اجتماعی فتنه را برجسته می‌کند.

در جای دیگر رسول خدا ﷺ فرمودند:

۱. همان، ج ۴، ص ۵۶۵.

۲. سیوطی، الدر المنثور، ج ۱۲، ص ۲۴۰.

ثمَّ يَنحَدِرُونَ إِلَى الْكَوْفَةِ فَيُخْرِبُونَ مَا حَوْلَهَا... وَ يَخْلِي حَيْشَهُ التَّالِي بِالْمَدِينَةِ، فَيَنْتَهِبُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لِيَالِهَا، ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى مَكَّةَ، حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ بَعَثَ اللَّهُ جِبْرِيلَ... فَيُخَسِّفُ اللَّهُ بِهِمْ؛ سَپْسَ بِهٖ كُوفَهٗ مَيَّ رَوْنَدٍ وَ اطْرَافَ آن رَا وِیرَان مَيَّ كُنَنَد. لَشْكَرِ دِیْگَرِ دَر مَدِیْنَهٗ بَاقِی مَيَّ مَآنَد وَ آن رَا سَه رُوز وَ شَبِّ غَارَت مَيَّ كُنَد. سَپْسَ بِهٖ سَوِی مَكَّهٖ حَرَكَت مَيَّ كُنَنَد وَ دَر سَرزَمِیْن بَیْدَاء، خَدَاوَنَد آنَا ن رَا بِهٖ وَ سِیْلَهٗ جِبْرِئِیل بِهٖ زَمِیْن فَرُو مَيَّ بَرَد.

این روایت نشان می‌دهد که جنایات سفیانی به شام محدود نیست، بلکه عراق، مدینه و حتی مسیر مکه را نیز در بر می‌گیرد؛ اما سرانجام لشکر او در بیداء نابود می‌شود و این شروعی ست بر زوال فتنه‌ای خونین.

سرانجام لشکر سفیانی

در این گزارش نبوی، با پناه بردن فردی به بیت‌الله و فرو رفتن لشکر مهاجم در بیداء، سرنوشت قطعی سپاه سفیانی و پایان حتمی حرکت نظامی او ترسیم می‌شود: یَعُوذُ عَائِدٌ بِالْبَیْتِ، فِیْبَعِثُ إِلَیْهِ جِیْشٌ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِبَیْدَاءَ مِنَ الْأَرْضِ خَسَفَ بِهِمْ ۲...؛ پیامبر ﷺ فرمود: مردی به خانه خدا پناه می‌برد؛ لشکری به سوی او فرستاده می‌شود و هنگامی که به بیداء می‌رسند، خداوند آنان را در زمین فرو می‌برد.»

این روایت پایان حرکت نظامی سفیانی را نشان می‌دهد. لشکر او در بیداء به امر الهی نابود می‌شود و این نقطه پایان فتنه عظیم اوست که زمینه را برای قیام مهدی ﷺ فراهم می‌سازد.

جمع‌بندی فصل قیام سفیانی

- خروج از شام و دمشق با حمایت قبیله کلب؛
- خشونت شدید و کشتار گسترده: قتل هزاران نفر، شکم‌دریدن زنان، قتل کودکان و

۱. همان.

۲. مسلم، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۲۰۸.

بزرگان؛

- لشکرکشی به عراق، کوفه، مدینه و مکه، همراه با غارت و ویرانی؛

- خسف لشکر در بیداء، به عنوان شروع زوال حرکت نظامی او.

نتیجه‌گیری

بررسی روایات نبوی مرتبط با حوادث پیش از ظهور، نشان داد که جنگ‌ها و فتنه‌های این دوره در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، مجموعه‌ای پراکنده و منفصل از رخدادها نیستند، بلکه در سطحی کلان، مؤلفه‌هایی به هم پیوسته، از یک دوره فراگیر بحران را ترسیم می‌کنند. این بحران از گسترش هرج و مرج، افزایش کشتار و درگیری‌های درون اسلامی آغاز می‌شود و با استمرار فتنه‌های فرسایشی، تشدید ناامنی در عرصه اجتماعی و سیاسی و تمرکز درگیری‌ها در مناطقی همچون شام و مشرق، به مراحل حادثری می‌رسد. در این میان، روایات مربوط به سفیانی و لشکرکشی او به عراق، مدینه و مکه، و در نهایت خسف بیداء، تصویری از اوج‌گیری و سپس افول یک حرکت نظامی ویرانگر ارائه می‌کنند.

همچنین، دسته‌بندی موضوعی و جغرافیایی روایات، نشان می‌دهد که در کنار کانون‌های فتنه و نزاع، مشرق در بخشی از گزارش‌های نبوی جایگاهی متفاوت دارد و به عنوان خاستگاه نیروهایی مطرح می‌شود که در روند تحولات منتهی به حکومت اهل بیت نقش ایفا می‌کنند. با این حال، بر اساس شواهد بررسی شده، نمی‌توان همه گزارش‌های مربوط به مشرق، پرچم‌های سیاه و نیروهای یاری‌کننده را، بدون بررسی سندی و دلالتی مستقل، جریانی واحد و قطعی تلقی کرد. از این رو، پیوند میان این روایات باید در حدی مطرح شود که مجموعه شواهد حدیثی آن را پشتیبانی می‌کند.

برآیند این بررسی آن است که در منظومه روایات نبوی، ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه‌ه در بستری از تحولات گسترده اجتماعی، سیاسی و نظامی تصویر شده است؛ بستری که در آن، فروپاشی امنیت، کثرت نزاع و کشتار، گسترش فتنه و تشدید درگیری‌های منطقه‌ای به اوج می‌رسد و با

نابودی برخی جریان‌های ستمگر و فراهم شدن شرایط تحقق عدالت، به قیام مهدوی منتهی می‌شود. بنابراین، مهم‌ترین یافته پژوهش، نه صرفاً شمارش جنگ‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور، بلکه کشف نوعی پیوستگی درونی میان این رخدادها و امکان بازسازی الگویی کلی از تحولات پیشاظهر بر پایه مجموعه روایات نبوی است.

بر این اساس، می‌توان گفت که روایات مورد بررسی، تصویری چندسطحی از دوره پیش از ظهور ارائه می‌کنند که در آن، بحران‌های درون جامعه اسلامی، منازعات منطقه‌ای و ظهور جریان‌های نظامی و سیاسی در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند. با این همه، این تصویر باید با رعایت تفاوت درجات اعتبار سندی، دلالی و میزان صراحت هر روایت تفسیر و از تطبیق شتاب‌زده حوادث روایی بر وقایع تاریخی یا معاصر پرهیز شود. از این منظر، حاصل پژوهش را می‌توان ارائه چارچوبی منظم‌تر برای فهم روایی جنگ‌ها و فتنه‌های پیش از ظهور دانست؛ چارچوبی که می‌تواند مبنای بررسی‌های دقیق‌تر حدیثی درباره نسبت این حوادث با نشانه‌های ظهور و روند شکل‌گیری حکومت مهدوی قرار گیرد.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۵۹.
۲. ابن حمّاد، محمد بن احمد، **الفتن**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دارالقلم، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن حمّاد، نعيم بن حماد مروزی، **الفتن**، تحقیق: سمير أمين الزهيري، مكتبة التوحيد، ۲ جلد، نوبت اول، قاهره، ۱۴۱۲ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، **الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر** عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، منشورات الشريف الرضي، ۱ جلد، نوبت اول، قم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، **سنن ابن ماجه**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، دارالفکر، ۲ جلد، بیروت، (بی تا).
۶. احمد بن حنبل، احمد بن محمد، **مسند احمد بن حنبل**، تحقیق: احمد محمد شاكر، دارالمعارف، ۱۵ جلد، نوبت اول، مصر، ۱۹۵۳م.
۷. بخاری، محمد بن إسماعیل، **صحیح البخاری**، دارإحياء التراث العربی، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۴ق.
۸. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق: احمد شاكر، دارالفکر، ۵ جلد، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۹. _____، **تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا**، دارالکتب العلمیة، ۵ جلد، نوبت اول، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۰. خزاز، علی بن موسی، **کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر**، تحقیق: عبداللطیف حسنی کوهکمری، دارالکتب الإسلامية، ۱ جلد، نوبت اول، تهران، ۱۴۰۱ق.
۱۱. سجستانی، سلیمان بن الأشعث (ابوداود)، **سنن أبی داود**، تحقیق: محمد محیی الدین

- عبدالحمید، دارالفکر، ۴ جلد، بیروت، (بی تا).
۱۲. سلیمان، خدامراد، **للمهدی یوطنون؛ روایت، نقد و بررسی**، نشریه موعود انتظار (کلام و فلسفه)، شماره ۶۰، بهار ۱۳۹۷.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور**، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، دار هجر، ۱۲ جلد، نوبت اول، قاهره، ۱۴۲۴ق.
۱۴. طبرانی، سلیمان بن احمد، **المعجم الکبیر**، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن، **الأمالی**، تحقیق: مؤسسه البعثة، دارالثقافة، ۱ جلد، نوبت اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۶. فرات کوفی، فرات بن ابراهیم، **تفسیر فرات الکوفی**، تحقیق: محمد الکاظم، دارالأضواء، ۱ جلد، نوبت اول، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۱۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام)**، دار إحياء التراث العربی، نوبت اول، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۸. مسلم، محمد بن الحجاج القشیری النیسابوری، **صحیح مسلم**، تحقیق: مصطفی عبدالقادر، دار إحياء التراث العربی، ۴ جلد، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، **الغیبة**، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الإسلامیة، ۱ جلد، نوبت دوم، تهران، ۱۳۹۷ق.